

بررسی تحول فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی «برده‌داری» در اسلام

زهرا قدوسی^۱

چکیده

قرآن کریم و دین مقدس اسلام تحولات شگرفی در قوانین «برده‌داری» در جامعه عرب جاهلی به وجود آورد. این تحولات را می‌توان چنین برشمرد: محدود و منحصر کردن عوامل بردگی به یک مورد، تغییر در رفتار و تعامل با بردگان، اهتمام به آزادی بردگان با وضع قوانین جدید همانند آزادی بردگان در عوض کفاره برخی از گناهان، وضع قوانینی که منجر به حفظ کرامت و عزت انسانی بردگان می‌شود مانند پذیرش شخصیت حقیقی بردگان و انعقاد قرارداد با آنان، پذیرش حق آزادی آنان، پذیرش حق ازدواج سالم و نهی از بهره‌کشی نامشروع جنسی از آنان و تعلیم و تربیت بردگان.

کلید واژه‌ها: اعجاز تشریحی، برده‌داری، قرآن کریم، اسلام.

۱. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم، گرایش حقوق جامعه المصطفی ﷺ العالمیه.

مقدمه

«برده‌داری» یکی از موضوعاتی است که قدمتی بس طولانی دارد و در میان اقوام و ملل مختلف رایج بوده است. عرب جاهلی پیش از اسلام نیز مانند دیگر اقوام، برده‌داری را امری عادی می‌پنداشتند و با بردگان رفتاری غیر انسانی و غیر اخلاقی داشتند. هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به پیامبری مبعوث شد، شبه‌جزیره عربستان مملو از بندگان و کنیزانی بود که از سایر قبایل دیگر اسیر گرفته شده بودند و یا به وسیله خریداری از ملل و اقوام دیگر برده محسوب می‌شدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی مبعوث شد که برده‌داری با فرهنگ روزمره و اقتصاد مردم عجین شده بود. با آمدن دین اسلام، نوید تازه‌ای برای حفظ انسانیت و کرامت و آزادی تمام انسان‌ها و از جمله بردگان و ضعیفان و مظلومان به گوش می‌رسید. حضرت محمد صلی الله علیه و آله با آوردن دین و کتاب جدیدی، قانون برده‌داری را عوض کرد و نگاه انسانی اخلاقی را جایگزین آن نمود.

۱. واژه‌شناسی

۱.۱. عجز

«اعجاز» از باب افعال به معنی ناتوان کردن می‌باشد. راغب اصفهانی در مفردات می‌نویسد: «اعجزت فلاناً ای جعلته عاجزاً، یعنی او را ناتوان کردم». معجزه عبارت است امری که خارق عادت باشد، از مدعی منصب الهی و پس از ادعای او واقع شود، همراه با تحدی باشد، مغلوب واقع نشود و دیگران نتوانند مثل آن را بیاورند، برای اثبات امور غیر ممکن نباشد مانند محال عقلی یا محال نقلی، گواه صدق مدعی باشد و از امور شر نباشد که موجب ضرر به دیگران شود، زیرا با هدف معجزه (هدایت) سازگار نیست. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۷-۳۶)

۱.۲. شریع

«شریعت» از ماده شرع و در اصل به معنای دستیابی به آب است: «شرع الوارد الماء اذا تناوله بفهمه» هنگامی می‌گویند: «شرع الوارد الماء» که او آب را به دهانش رساند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۵۲) شریعت اسم مصدر به معنای راه هموار و آشکار است که در روش و طریقه الهی استعاره شده است و به عبارت دیگر دستوراتی است که خدا تاسیس می‌نماید. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۱۷۶)

شریعت در قرآن، اخص از دین و عبارت است از طریقه‌ای خاص برای امتی از امت‌ها یا پیامبری از پیامبران، به خلاف دین که بر مطلق سنت و طریقه الهی اطلاق می‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۳۵۰)

در تناسب معنای لغوی و اصطلاحی شریعت می‌توان گفت همان گونه که دستیابی به آب، باعث تداوم حیات جسمانی انسان است، دسترسی به دستورات الهی نیز باعث تداوم حیات روحانی و ارتقای حیات جسمانی وی می‌گردد.

«تشریح» از باب تفعیل و به معنای تحول و سیوروت است؛ مانند «ولیته، او را سرپرست گرداندم» و «تشریح شیء» یعنی «چیزی را در قالب قانون درآوردن». به عبارت دیگر تشریح یعنی قانونگذاری و وقتی «ی» نسبت به آن اضافه شود، به معنای مرتبط با قانونگذاری است؛ همان گونه که امروزه به قوه قانونگذاری «السلطه التشريعیه» اطلاق می‌گردد. (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۳۱)

معنای عام تشریح عبارت است از آنچه خداوند متعال وضع نموده و از طریق پیامبران به مردم رسیده است، خواه مربوط به عقیده و باور قلبی باشد که احکام اعتقادی است و خواه مربوط به عمل و رفتار باشد که احکام فرعی است.

معنای خاص تشریح عبارت است از مجموع احکامی که خداوند برای بندگانش وضع کرده تا با به کار بستن آن احکام به سعادت دنیا و آخرت برسند. (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

۳.۱. اعجاز تشریحی

اعجاز تشریحی عبارت است از «فوق‌العادگی مجموعه دستورالعمل‌های قرآن کریم در زمینه‌های فردی و اجتماعی زندگی بشر را نشان‌های برای الهی بودن قرآن کریم دانسته‌اند که نه قابل نقض می‌باشد و نه صدور آن از جانب فردی امّی و تعلیم ندیده امکان‌پذیر است». (دشتی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۷۸)

به بیان دیگر اعجاز تشریحی قرآن را می‌توان این گونه تعریف نمود:

وجود قوانین خارق‌العاده در قرآن، نظام بی‌بدیل قانونگذاری آن و تأثیر اعجاز‌آمیز قرآن در تحول قوانین جامعه عرب جاهلی که قبل از قرآن هیچ کتابی این گونه نبوده است و بعد از آن نیز هیچ بشری نتوانسته مثل آن را بیاورد. (بهجت‌پور، ۱۳۸۹)

۲. پیشینه

اعجاز تشریحی که در دوره معاصر بیشتر به آن توجه شده است، سابقه طولانی دارد و دانشمندانی چون باقلانی (۴۰۳ق.) اشاراتی به آن داشته‌اند. نخستین کسی که به اعجاز تشریحی قرآن اشاره کرده علامه بلاغی (۱۳۵۲ق.) است و تأکید بر این بُعد را برای

نخستین بار در نوشته‌های وی می‌بینیم. (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۴-۱۳) اعجاز تشریحی پس از وی، در آثار شاگردانش مانند علامه طباطبایی و آیت الله خویی انعکاس یافت. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۶۰) و پس از این دو نیز در آثار دیگر از جمله تألیفات علامه معرفت به طور گسترده‌تری به بحث گذاشته شد.

هم‌زمان با علامه بلاغی، رشید رضا (۱۳۵۴ق.) در تفسیر المنار، یکی از وجوه اعجاز قرآن را اعجاز در علوم دینی و تشریح معرفی کرده است. پس از وی زرقانی در معرفی چهارمین وجه اعجاز قرآن در بحث «وفووه بحاجات البشر» به زمینه‌های متنوع و مختلفی از تشریحات قرآن کریم اشاره کرده و برای اثبات آن، به مقایسه میان احکام فردی و اجتماعی قرآن با قوانین مصوب در کشورهای غربی پرداخته است.

اعجاز تشریحی در سال‌های بعد بیشتر مورد توجه قرار گرفت و کتاب‌های مستقلی در این زمینه به رشته تحریر درآمدند. مانند کتاب *القرآن و اعجازه التشریحی* نوشته اسماعیل ابراهیم و کتاب *الاعجاز التشریحی فی القرآن و السنه* نوشته قره‌داغی، کتاب *الاعجاز التشریحی فی القرآن* نوشته علی احمد بابکر، کتاب *القرآن الکریم بنیته التشریحی* نوشته وهبه زحیلی. (دشتی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۸۰)

۳. رویکردها در اعجاز در حوزه علوم انسانی

در حوزه علوم انسانی حداقل سه رویکرد را برای اعجاز علمی قرآن تصور کرد:

۳. ۱. وجود گزاره‌های علمی مطابق با واقع (اخبار غیبی)

بدین معنا که قرآن گزاره‌هایی علمی در حوزه علوم انسانی بیان کرده و پیام‌ها و آموزه‌هایی دارد که به نوعی اخبار غیبی‌اند و با پیشرفت علوم در عصر جدید در حوزه علوم انسانی مطرح و به عنوان نظریه‌های درست و کارآمد مشهور شده‌اند.

۳. ۲. انقلاب یا ایجاد تغییرات به وسیله قرآن

قرآن کریم در محیطی نازل شد که انسان گرفتار جاهلیت علمی و فرهنگی و عقب‌ماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود. آموزه‌های قرآن کریم چنان تأثیری در بشریت گذاشت که بعد از مدتی تحول - بلکه انقلابی - فرهنگی، علمی، اقتصادی و اجتماعی در مردم صورت گرفت، نوعی اعجاز علمی قرآن در بستر تاریخی است؛ یعنی تأثیر علمی قرآن در تحول تربیتی با تغییر قوانین و مبانی تربیتی، موجب رشد جهشی در این حوزه شد. این امر در اعصار بعدی قابل تکرار در جوامع دیگر است.

۳.۳. استنباط نظام برتر از قرآن

قرآن ارائه دهنده نظام‌های تربیتی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و... است که هر کدام مبانی، اهداف، روش‌ها و آموزه‌های خاص خود را دارند و در عصر کنونی می‌توان آن‌ها را با نظام‌های دست ساخته بشری مقایسه کرد و از جهات متعدد برتری و کارآمدی نظام‌های قرآنی را نمایان ساخت. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۱۷-۴۱۶)

۴. حوزه اعجاز تشریحی

قرآن پژوهان و مفسران در زمینه قلمرو اعجاز تشریحی دو گروه می‌شوند؛ گروهی این اصطلاح را به جنبه قانونگذاری‌های قرآن اطلاق می‌کنند و با عنوان اعجاز قرآن در قانونگذاری یاد می‌کنند و بخش معارف را به عنوان جنبه دیگری از وجوه اعجاز قرآن مطرح می‌کنند. از پیروان این نظر می‌توان آیت الله خویی را نام برد و گروهی هم این وجه اعجاز را چتری می‌دانند که بر قانونگذاری‌ها و اخلاقیات کشیده شده است و با این تنوع نگاه، اعجاز تشریحی قرآن همه مضامین و محتویات قرآن را پوشش می‌دهد. آیت الله معرفت از طرفداران این دیدگاه می‌باشند. (یزدانی رستم، ۱۳۹۲: ۳۴)

۴.۱. رویکردهای اعجاز تشریحی

سه رویکرد می‌توان برای اعجاز تشریحی برشمرد:

۴.۱.۱. وجود قوانین خارق العاده در قرآن

۴.۱.۲. تأثیر اعجاز آمیز قرآن در تحول قوانین جامعه عرب جاهلی

نقش قرآن در تحول فرهنگی و اجتماعی و تغییر قوانین، مقررات و عادات اعراب اعجاز‌آمیز است. هیچ کتاب بشری نمی‌تواند چنین تغییر تاریخی را در فرهنگ و قوانین یک ملت ایجاد کند. این اعجاز تشریحی قرآن از نظر تاریخی است که توانست در جامعه عرب انقلاب ایجاد کند و قوانین ضد بشری، ضد علم و ضد عقل عرب عصر جاهلی را با قوانین عالی موافق با عقل، عدل، علم و فطرت جایگزین کند.

آیت الله خویی نیز به این رویکرد در اعجاز تشریحی قرآن اشاره می‌کند و معتقد است بر اساس بدیهیات تاریخی، امت‌های قبل از اسلام در جهل و انحطاط در معارف و اخلاق به سر می‌بردند و گرفتار جنگ و خونریزی بودند و حتی عادت داشتند با همسران پدر خود ازدواج کنند و دختران را زنده به گور کنند، تا اینکه نور محمد ﷺ مکه را روشن کرد و معارف نورانی و مکارم اخلاقی رواج یافت؛ شرک به توحید، جهل به علم، ردائیل به فضائل و جدایی و مخالفت‌ها به برادری و دوستی تبدیل شدند و تمدن و فرهنگ

والایی پیدا شد که بر عالم مسلط گشت. این امور به برکت تعالیم قرآن کریم به وقوع پیوستند؛ تعالیمی که بر بره‌ان‌های واضح و اعتدال استوار بودند.

۳.۱.۴. نظام خارق‌العاده قانونگذاری در قرآن

نظام حقوقی قرآن، نظامی منسجم و مبتنی بر اصول و مبانی محکمی است که قبل از قرآن سابقه نداشته و بعد از قرآن نیز نظام‌های حقوقی دنیا نتوانسته‌اند با آن همسانی کنند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۷۸)

۳.۲. امتیازات اعجاز تشریحی قرآن

آیت الله معرفت درباره مبانی تشریحات و حیانی، احکام و قوانین حاکم بر نظام حیات اجتماعی دو امتیازی که در دیگر تشریحات بشری وجود ندارد، بیان کرده است:

۱. دور بودن از هر گونه گرایش‌های منحرف که در وضع قوانین تأثیرگذار است.
 ۲. رعایت سه بعد در حیات انسان که لازمه زندگی اجتماعی وی است؛ بُعد فردی، بُعد اجتماعی و رابطه انسان با خداوند. (حیدر نژاد، ۱۳۹۷: ۴۱؛ دشتی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۸۰)
- آیت الله خوبی، نظام مقررات قرآن را نظامی بدیع و فوق طاقبت بشری می‌داند، زیرا چه در آن دوره که عرب جاهلی گرفتار آداب و رسوم و فرهنگ غلط منحط جاهلی بود و چه در دوره‌های بعد، هرگاه انسان خواسته قانونگذار خود باشد، دریافته که حوزه معرفت او محدود است و نمی‌تواند قوانینی کامل و نجات بخش وضع نماید، ولی خداوند بهترین نظام تشریح را با عنوان قرآن مجید ارائه نموده است.

ایشان بیان می‌دارد که قرآن، بیانگر «کلمه توحید» و «توحید کلمه» و دعوت کننده به سعادت و بهشت است که چنین شریعت کاملی، کاری نبود تا انسانی بتواند آن را در قالب کتابی بیاورد و بدین جهت، قرآن کتاب «قانون» است و از این رهگذر نیز معجزه محسوب می‌شود. (مودب، ۱۳۸۶: ۹۶)

۳.۳.۴. ابعاد اعجاز حقوقی قرآن

۳.۳.۴.۱. قوانین عالی از فردی درس ناخوانده

یکی از ابعاد اعجاز قرآن در عرصه علمی و به طور خاص در بعد حقوقی و قانونگذاری، نزول قرآن بر زبان پیامبری امّی و درس ناخوانده در عصر خمودگی و خموشی علمی بشر است، عصری که معلومات بشر در گستره علوم طبیعی و انسانی بسیار اندک و اغلب خطا آمیز بود و افکار و اندیشه‌های خرافی بر فرهنگ و روابط اجتماعی افراد جامعه استیلا داشت و شرایط لازم برای تدوین قوانینی مترقی و هماهنگ و مطابق با فطرت انسان‌ها ارایه نمود و راه حیات طیبه را نشان داد. قبل از طلوع اسلام مردم در جهل و انحطاط

علمی به سر می‌بردند. در آن دوران تاریک، اختلافات نژادی، قانون زور و هرج و مرج اجتماعی بر ملل جهان، به ویژه عرب، حکومت می‌کرد. قوم عرب قبل از اسلام از عقاید خرافی بهره فراوان داشت و از یک قانون و نظام اجتماعی واحد محروم بود. بت پرستی، زنده به گور کردن دختران و... از رسوم آنان بود.

۴.۳.۲. تأثیر قرآن در جامعه سازی و تحول حقوق اجتماع

یکی دیگر از ابعاد اعجاز حقوقی قرآن، تأثیر نظام حقوقی آن در تحول جامعه (جامعه‌سازی نظام حقوقی قرآن) است که امری بدیع و تحیرآور است. قرآن در یک نظام کاملاً جاهلی نازل شد که کمترین بهره‌ای از تعالی اخلاقی و حقوقی در آن به چشم نمی‌خورد، ولی می‌بینیم در مدت نسبتاً کوتاهی تعالیم قرآن و تلاش رسول اکرم ﷺ باعث تحول روحی اساسی در جامعه و توده‌های مردم گردید.

این امر، بی‌تردید یکی از مظاهر اعجاز کاربردی قرآن می‌باشد. جامعه‌ای که در آن زنان از حداقل حقوق بی‌بهره بودند و زنده به گور کردن نوزادان و شرابخواری و جنگ‌های طولانی به خاطر اهدافی بسیار کودکانه از شاخصه‌های آن بود، بر اثر تعلیمات قرآن به اوج انسانیت و ایثار نزدیک می‌شود. البته اسلام برای معالجه عادات مذموم و ریشه‌دار در دل‌های مردم و ارتقای فرهنگی آن‌ها از شیوه تدریج استفاده کرده است و به تدریج، بدون به کار بردن شدت عمل در نهی و تحریم، توانسته به اصلاح آن‌ها اقدام نماید، برای مثال حذف شراب در زندگی مردمی که حیاتشان با آن مخلوط شده بود، با تحریم تدریجی و یک شیوه حکیمانه، آن را از زندگی مردم دور نمود بدون اینکه حرج و سختی آن را احساس کنند.

۴.۳.۳. ارائه قوانین در نظامی هماهنگ

نحوه ورود و ارائه قواعد و دستورات حقوقی مبتنی بر مبانی حقوقی به شیوه‌ای ممتاز و در قالب نظامی هماهنگ یکی دیگر از ابعاد اعجاز حقوقی قرآن است، به گونه‌ای که کمترین اختلاف، تهافت و ناسازگاری در قوانین قرآن وجود ندارد. (نساء: ۸۲) همچنین عرضه و نهادینه شده قوانین آن در مدتی بسیار کوتاه (۲۳ سال) نیز خود مسئله‌ای شگفت‌انگیز و جالب توجه است.

از نمونه‌های اعجاز تشریحی قرآن کریم، ممنوعیت شرابخواری و رباست. شرابخواری و مصرف الکل یکی از عادات ناپسندی بود که از دیر باز و قبل از حضور اسلام در شبه‌جزیره عربستان رایج بود. هر چند جوامع به اصطلاح متمدن امروز نیز در این بلای جسم و جان سوز غوطه‌ور هستند، لیکن اسلام با توصیه‌های اعجازگونه خود در زمانی

که حتی شراب را با نفع و فایده می‌دیدند، پیروان خود را از آن نهی فرمود. (نساء: ۴۳؛ مائده: ۹۰)

۴.۳.۴. نظریه پردازیه‌های حقوقی قرآن

نظریه‌پردازیه‌های حقوقی قرآن نیز از ابعاد اعجاز حقوقی قرآن است که بشر بعد از ده‌ها قرن به آن پی برده و در مواردی به رغم گذشت قرن‌ها هنوز به رمز و راز آن‌ها پی نبرده است؛ مانند طرح حق عبودیت به عنوان اصلی‌ترین و اولین حق در میان حقوق که سایر حقوق در راستای آن معنی و مفهوم می‌یابد. لذا مباحثی مانند توجیه جهاد و جنگ‌های اسلامی و احکامی مانند محکومیت سنگین برای ارتداد، توجیه‌پذیر و منطقی است. ممنوعیت سقط و قائل شدن حق حیات حتی برای طفل در رحم یا رابطه نعمت‌ها و نعمت‌های دنیا با تقوا و گناه از نظریه‌پردازیه‌هایی است که در آیات قرآن کریم مطرح شده است.

۴.۳.۴.۱. ویژگی‌های خاص نظام حقوقی

ارکان و ویژگی‌های اساسی موجود در تشریح احکام و نظام حقوقی قرآن نیز از ابعاد اعجاز حقوقی قرآن است؛ ویژگی‌هایی که این نظام را از سایر نظام‌های حقوقی ممتاز نموده است و امتیازاتی دارد که مجموعه آن در تشریحات بشری وجود ندارد. برخی از این امتیازات بدین قرار است. (جزایری، ۱۳۹۱: ۷۰-۷۴)

- جهان شمول و فراگیر بودن قوانین قرآن؛
- فقدان تناقض میان قوانین قرآن؛
- سازگاری قرآنی قرآن با عقل، فطرت و علم؛
- جامعیت قرآن؛
- انعطاف‌پذیری مقررات اسلامی؛
- انسجام و ارتباط قوانین؛
- دخالت عقل در استنباط احکام و... (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۲؛ صانعی، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۸؛ بهجت پور، ۱۳۹۰: ۵۰-۴۶)

قرآن به علوم و معارف و تشریح مقرراتی که جهانیان را به آن دعوت کرده، تحدی نموده است. (صانعی، ۱۳۸۲: ۵۵) نظریه اعجاز تشریحی مبتنی بر جمع میان این ویژگی‌هاست. می‌توان نظریه اعجاز تشریحی را در قالب قضیه منطقی به این شکل بیان نمود:

- تشریحات قرآنی میان ویژگی‌های مذکور جمع شده است.
- جمع میان ویژگی‌های مذکور امری خارق‌العاده است.

نتیجه: تشریحات قرآنی امری خارق العاده است.

حد وسط در نظریه اعجاز تشریعی جمع میان ویژگی‌هاست، نه وجود برخی ویژگی‌ها. وجود قوانینی که گاه مشابه قوانین قرآن باشند، خللی به اعجاز تشریعی قرآن وارد نمی‌آورد، زیرا هیچ یک از این قوانین، میان همه ویژگی‌های مذکور به طور کامل جمع نکرده است. (بهجت پور، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۵)

۵. اصول مهم برده‌داری در قرآن

۵.۱. اصلاح طلبی قرآن

قرآن کریم در تمام ابعاد زندگی بشر وارد شده و قوانین موجود منطقی و هماهنگ با فطرت انسان را تأیید و نقاط انحراف در هر زمینه را یاد آوری و تبیین نموده و آن را به گونه‌ای که مطابق با قانون خدا و حکم فطرت و عقل سلیم باشد، اصلاح و به بشر ارائه نموده است. در این زمینه می‌توان به اصلاح اعتقادات، اصلاح عبادات، اصلاح اخلاقیات، اصلاح سیاست یا حکومت، اصلاح امور اقتصادی و مالی، اصلاح حقوق زنان، اصلاح قواعد و ضوابط جنگی، مبارزه با بقا و گسترش برده‌داری در آینده و آزادسازی بردگان موجود به شیوه‌های گوناگون، آزاد سازی عقل و فکر و... اشاره نمود. (جعفری، ۱۳۸۸: ۵۱)

۵.۲. توحید مداری قوانین قرآن

قوانین آسمانی قرآن با قانون‌های بشر یک فرق اساسی دارد و آن اینکه قرآن و تشریح و قانونگذاری را بر پایه توحید و اخلاق فاضله قرار داده و می‌گوید تشریح باید از وضع تکوینی یعنی طرز آفرینش انسان سرچشمه بگیرد، اما قانونگذاران بشری معنویات را از مطالعات حقوقی خود حذف کرده‌اند و قوانین را بر اساس دیگری، یعنی تحول اجتماع و سیره تکاملی مادی انسان، صرف نظر از روح فضیلت بنا می‌کنند، در حالی که اساس صحیح در تشریح و قانونگذاری همان اساس اول است. (جعفری، ۱۳۸۸: ۵۱)

۵.۲.۱. تدریج در تشریح

مسئله کنیز و برده‌داری تا زمان صدر اسلام یک فرهنگ بوده، لذا با سنت‌ها و فرهنگ‌های یک جامعه نمی‌شود یک‌باره مقابله کرد. قرآن برای تغییر اوضاع اسفبار جامعه از یک روش متقن تربیتی استفاده می‌کند و با رعایت این اصل، مردم خو گرفته به عادات زشت و اعمال قبیح و افکار غلط را بدون اینکه متوجه باشند یا احساس سنگینی بکنند قدم به قدم پیش می‌برد تا در نهایت آن‌ها را از همه زشتی‌ها و پلیدی‌ها پاک می‌کند؛ و قطعاً اگر اسلام این اصل را رعایت نمی‌کرد و همه احکام را یک‌باره بیان می‌کرد،

کسی زیر بار نمی‌رفت و اسلام در پیشرفت خود دچار مشکل می‌شد. از این رو برانداختن فوری این فرهنگ و الغای آنی مالکیت بنده، میسر نبود. در این دوره، به منظور یافتن راه‌حلی برای واقعیت موجود و نه پذیرش مشروعیت آن، اسلام قوانینی را تنظیم کرد. (نصیری، ۱۳۷۹: ۲۰۶-۲۰۵)

اسلام هنگامی ظهور کرد که تجارت بردگان و کنیزان، ستون فقرات زندگی اقتصادی را تشکیل می‌داد و اگر نظام بردگی به یک‌باره الغا می‌شد، شکاف عظیمی در حوزه اقتصادی به وجود می‌آمد، در نتیجه سد کردن چنین شکافی با یک بدیل کافی وافی، جزء ضروریات اقتصادی بود و ایجاد چنین سدی در آن زمان، ناممکن بود و از این رو اسلام در آن زمان، بقای غلامان و کنیزان بر حالت بردگی را پذیرفت، البته قوانین برده‌داری را نیز به گونه وضع کرد که موجب ریشه کن شدن تدریجی آن شد. (زلمی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

۵. ۲. ۲. برده‌داری در میان اعراب

برده‌داری از دیر زمان در میان ملت‌های مختلف رواج داشته است. در میان قوم عرب نیز به تبعیت از دنیا، بردگی رواج کامل داشت. وقتی اسلام ظهور کرد، نسبت بردگان و کنیزان به نسبت غیر بردگان در جامعه جاهلی عربی و جوامع دیگر، بیشتر بود و هر کدام از ثروتمندان، هزاران برده داشتند که این بردگان را برای خرید و فروش نگاه می‌داشتند و بردگان بازار ویژه‌ای داشتند و زندگانی هر غلام یا کنیز از جانب اربابش تأمین می‌شد. بزرگان عرب مخصوصاً قریش، بندگان زیادی داشتند که علاوه بر استفاده از دسترنج آن‌ها به صورت وسیله و ابزار تولید، داشتن بنده‌های فراوان را مایه مباحات خود می‌پنداشتند و از راه تجارت برده، کسب درآمد می‌کردند. (فرامرزی، ۱۳۴۷: ۹۶-۹۵؛ زلمی، ۱۳۹۶: ۱۲۸)

به لحاظ اجتماعی، برده‌ها در پایین‌ترین حد منزلت اجتماعی بودند و طبقه پست و فقیر جامعه به حساب می‌آمدند. آن‌ها مانند سایر حیوانات قرار داشتند و از همه حقوق انسانی و مزایای اجتماعی محروم بودند. رویکرد عرب به برده، رویکردی ابزاری و کالایی بود و هیچ حرمتی برای او قائل نبودند. کسی که برده را می‌خرید، ریسمانی به گردنش می‌آیخت و مانند چهارپا او را به منزل خود می‌برد. برده تنها کالایی بود که قیمت مشخصی نداشت و تنها سن، زیبایی، هنر، توانایی و جنسیت او، قیمتش را تعیین می‌کرد. هنگام تعذیب و تنبیه مورد آزار و اذیت‌های روحی و جسمانی قرار می‌گرفت و به شدت شکنجه می‌شدند که این امر بسیار عادی و متداول بود؛ حتی در سال‌های نخست اسلام نیز بردگانی مانند بلال حبشی، سمیه، یاسر، عمار و... سخت شکنجه می‌شدند. (عرب ابوزید آبادی، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۴۳)

۵.۳. تفاوت‌های بردگی در اسلام با سایر رژیم‌های بردگی

میان بردگی در اسلام با سایر بردگی‌هایی که در دنیا وجود داشته، اختلاف زیادی بوده است. در میان عرب «زور» یکی از عوامل برده‌داری بوده و کاری معمول و شبیه دزدی بوده است. عده‌ای میان قومی می‌رفتند که آن‌ها را برده بگیرند، این کار جایز نیست. اسلام از موجبات بردگی فقط جنگ را با تعیین مقدماتی جایز شمرده و این مقدمات عبارت است از بیان حق (و ابلاغ پیام اسلام) و قبول نکردن آن از طرف مردم و اینکه بعد جنگ ایجاد شود و عده‌ای به صورت اسیر در آیند؛ فقط در اینجا (با صلاح دید ولی امر مسلمین برده‌گیری) جایزه شمرده است.

تفاوت دیگری که برده‌داری در اسلام با سایر رژیم‌های برده‌داری دارد، در نوع رفتار با برده است. در یونان و روم و ایران معمول بوده که برای برده هیچ حقوقی، حتی حق دفاع قائل نبودند و اگر ارباب یا غیر ارباب او را تحت شکنجه قرار می‌داد، حق دفاع نداشت. شکنجه‌های بسیاری به آن‌ها می‌دادند. به قول علمای حقوق اروپا، حق حیات و به قول ما حق تکامل برای برده قائل نبودند. البته ما هم حق حیات قائل هستیم، ولی از آن جهت که حیات زمینه تکامل است نه صرفاً حیات. آن‌ها حق هرگونه تعذیبی در مورد برده را داشتند.

ویل دورانت می‌نویسد که بردگان را در حضور اربابان پوست می‌کندند و این یک تفریح برای آن‌ها بوده است. اسلام نه تنها چنین اعمالی را ممنوع کرد، بلکه توصیه‌هایی راجع به آن‌ها نموده است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد به آن‌ها غذا بدهید، از آن غذاهایی که خودتان می‌خواهید. لباس بدهید از همان لباس‌هایی که خودتان می‌پوشید، و همین طور هم عمل می‌کردند. (مطهری، ۱۳۹۳: ۱۹-۱۸)

امیرالمومنین علیه السلام غلامی داشت به نام قنبر. روزی دو لباس خرید، یکی را سه درهم و دیگری را به دو درهم... به قنبر فرمود: *يَا قَنْبِرُ أَنْتَ شَابٌ وَ لَكَ شِرَّةُ الشَّبَابِ وَ أَنَا أَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَتَفَضَّلَ عَلَيْكَ لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ الْبِسْوَهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ وَ أَطْعِمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ؛* تو جوان هستی و من پیرمرد، لباس بهتر را تو بپوش. من از خدای خود شرم دارم که لباس بهتر از تو بپوشم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از آنچه خودتان می‌پوشید بر آن‌ها بپوشانید و از آنچه می‌خورید به آن‌ها غذا دهید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۱۴۴) بردگی در اسلام از نظر رفتار و عمل با بردگی در اقوام گذشته فرق می‌کند.

۵.۴. اهتمام اسلام به آزادی برده

گرچه اسلام، اصل رقیت و برده‌داری را با شرایط و خصوصیات آن را امضا کرده است، ولی بعد از رسیدن به اهداف خود، هرگز رضایت به نگهداری دائمی آنان در زیر

سلطه بندگی نداده است، به همین جهت است که وسایل آزادی آنان را به هر نحو ممکن و با وسایل گوناگون فراهم ساخته است که برخی از آن‌ها قهری است و برخی اختیاری؛ برخی به اختیار موالی و صاحبان بردگان است و برخی نیز در اختیار بردگان (رضوانی، ۱۳۸۵: ۳۷)

آنچه اسلام راجع به برده‌داری عمل کرده و برنامه دارد، آزادی است و این نکته جالبی است. فقها هم بابتی را که به این مورد اختصاص داده‌اند، کتاب العتق نامیده‌اند، نه کتاب الرق؛ رق یعنی بردگی و عتق یعنی آزادی. دستورات اسلام زمینه آزادی بردگان را فراهم نموده است. درست است که اسلام بردگی را جایز شمرده، اما دستورات آن کاهش‌دهنده برده‌داری بوده است، زیرا وقتی که بردگان تحت نفوذ تربیتی مسلمانان قرار گرفتند پس از چندی خود به خود آزاد می‌شوند. نخست اینکه بنده آزاد کردن از اعمال خیر شمرده می‌شود. دوم اینکه کفاره بعضی از اعمال را بنده آزاد کردن قرار داده است. از این‌ها بالاتر این است که یکی از مصارف بیت المال را آزاد کردن بنده قرار داده و این جزء بودجه عمومی است؛ «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ... فِي الرِّقَابِ...».

یکی از مسائلی که در اسلام است این است که حکومت اسلامی با استفاده از بودجه عمومی برده‌ها را آزاد کند. همچنین اسلام بعضی موارد را موجب آزادی خود به خود بردگان قرارداده، می‌گوید اگر برده‌ای قسمتی از آن آزاد شد، این آزادی به تمام قسمت‌های او سرایت می‌کند. مثلاً اگر یک نفر، یک عُشر برده خود را آزاد کرد، تمام او آزاد می‌شود و او نمی‌تواند وی را خرید و فروش و به دیگری منتقل کند. بدین ترتیب اسلام راه‌هایی را باز گذاشته و توصیه کرده است. (مطهری، ۱۳۹۳: ۲۰)

۶. برده‌داری در قرآن

در مورد موضوع برده‌داری، حداقل ۲۹ آیه در قرآن کریم ذکر شده است. اکثر این آیات مدنی‌اند و اشاره به وضعیت حقوقی برده‌ها دارند. قرآن تفاوت میان برده و آزاد را به عنوان بخشی از نظم طبیعی می‌داند. (نحل: ۷۱) اما بردگان را صرفاً مال به حساب نمی‌آورد و انسانیت آن‌ها را در پاره‌ای از موارد مستقیماً مورد خطاب قرار می‌دهد؛ «لَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ...» (بقره: ۲۲۱)

همچنین بر جنبه انسانی برده‌ها با اشاره به آن‌ها به عنوان یکی از اعضای خانواده تأکید دارد:

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحَلَّلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا آفَاءَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ بَنَاتٍ عَمَّكَ...» (احزاب: ۵۰)

- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَلْبُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ...» (نور: ۵۸)

در قرآن، مطالب حقوقی درباره برده‌داری عمدتاً منحصر است به آزادی و روابط جنسی و مالکان برده‌ها به رفتار خوب با آن‌ها تشویق می‌شوند. (نساء: ۳۶) (خندق آبادی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۵۱۵-۵۱۴)

۷. وضع احکام و قوانین شرعی مربوط به بردگان

اسلام برنامه وسیعی برای آزاد شدن بردگان تنظیم کرده است. وضع قوانین شرعی جدید از سوی رسول خدا ﷺ تأثیر شگرفی در بهبود وضعیت فردی و اجتماعی بردگان داشت. در حقیقت مقررات جدید اسلامی بود که فراتر از توصیه‌های اخلاقی بردگان را از نابسامانی‌های دیروز نجات داد. این نکته را باید ذکر کنیم که بردگان همواره از موضوعات فقهی اسلام به حساب می‌آمدند و در ادوار گوناگون، مسائل جدیدی درباره آن‌ها مطرح می‌شد و بخش وسیعی از احکام مربوط به بردگان، در زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام و توسط آن بزرگواران بیان شده است. (عرب ابوزیدآبادی، ۱۳۸۸: ۱۸۰) اینک به برخی از قوانینی که اسلام برای آزادی بردگان جعل کرده اشاره می‌کنیم.

۷.۱. قانون عتق به عنوان صدقه

یکی از مصارف هشتگانه زکات در اسلام خریدن بردگان و آزاد کردن آن‌ها است. جالب اینکه برای این امر بودجه دائمی در بیت المال اسلامی در نظر گرفته شده است. طبق این قانون، آزادی بنده در راه خدا عنوان صدقه بر خود گرفته و بر آن ثواب متفرع شده است:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾؛ «زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است!» (توبه: ۶۰)

﴿... آتَى الْأَمَالَ عَلَى حُبِّهِ ... وَ فِي الرِّقَابِ...﴾؛ «و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد به... و بردگان انفاق می‌کنند...» (بقره: ۱۷۷)

رسول خدا ﷺ نیز در این باره فرمودند: «مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُؤْمِنَةً كَانَتْ فِدَاءَهُ مِنَ النَّارِ؛ هر کس برده مؤمنی را آزاد کند این عمل باعث آزادی او از آتش جهنم خواهد شد». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۴۴۹)

۲.۷. قانون عتق به عنوان کفاره

طبق این قانون، خداوند متعال مجازات دنیوی کسانی را که با برخی از تکالیف او مخالفت عملی کرده‌اند، آزاد کردن بنده به نحو تعیین یا اختیار قرار داده است.

مثل کفاره ایلا، کفاره ظهار، کفاره افطار، کفاره خلف نذر، کفاره خلف قسم، کفاره خلف وعده و... در تمام این موارد، انسان با یک بنده آزاد کردن که وظیفه اوست از «وزر» و گناهی که به جهت مخالفت با دستور الهی انجام داده، پاک می‌گردد.

۱. شکستن قسم: ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ... فَكَفَّارَتُهُ... أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ...﴾. (مائده: ۸۹)

۲. ظهار: ﴿وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ...﴾. (مجادله: ۳)

۳. مجازات قتل خطائی: ﴿فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ...﴾. (نساء: ۹۲)

۳.۷. قانون رها کردن اسیر

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَمَا مَنَّا بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءٌ...﴾؛ «و هنگامی که با کافران (جنایت‌پیشه) در میدان جنگ رو به رو شدید گردنهایشان را بزنید، (و این کار را هم چنان ادامه دهید) تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوید؛ در این هنگام اسیران را محکم ببندید؛ سپس یا بر آنان منت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیة [غرامت] بگیرید...». (محمد: ۴)

۴.۷. قانون کتابت

قرآن کریم در آیه‌ای از سوره نور برنامه‌ای قرار داده که اگر برده‌ای با مولایش قراردادی ببندد، اگر خیر و صلاح آن‌هاست، آزادشان کنید. این قرارداد ممکن است این گونه باشد که اگر فلان مبلغ را برای او حاضر کند، آزاد شود؛ به این قانون، «کتابت» یا «مکاتبه» می‌گویند و یا ممکن است که قرار بگذارند که بعد از مردن ارباب آزاد باشد که این را «قانون تدبیر» می‌گویند.

﴿... وَ الَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَ أْتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...﴾؛ «و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه [قرارداد

مخصوص برای آزاد شدن] هستند، با آنان قرار داد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می‌کنید(که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند) و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید!». (نور: ۳۳)

۵.۷. قانون عتق بعد از خدمت

مطابق این قانون اگر بنده مؤمنی هفت سال به مولای خود خدمت کند، آزاد خواهد شد.

قانون عتق با بیماری خاص، قانون تدبیر، قانون کتابت، قانون سرایت، قانون تملک یکی از پدر و مادر و قانون تنکیل. (رضوانی، ۱۳۸۵: ۴۰-۳۷؛ مطهری، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۱؛ حیدری نراقی، ۱۳۸۵: ۲۳۴-۲۳۵)

۸. حقوق مدنی و جزایی برده در اسلام

۸.۱. حقوق مدنی

۸.۱.۱. قرارداد آزادی، شخصیت حقیقی بردگان

«... الَّذِينَ يَشْتُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ... وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...». (نور: ۳۳)

مفسران این آیه را به طور عام منشأ «قرارداد آزادی» دانسته‌اند. قراردادی که از طریق آن بردگان می‌توانند آزادی خود را به صورت قسطی از مالکان خویش بخرند، هر چند بعید است که چنین قراردادی در دوره قرآن شناخته شده باشد. (خندق آبادی، ۱۳۹۲: ۵۱۵)

قرآن کریم صلاحیت بردگان را در این آیه به رسمیت شناخته است و مالکان آنان را به موافقت سند بازخرید بردگان امر می‌فرماید. در واقع دیدگاه قرآن این است که شخصیت حقیقی بردگان را پذیرفته و در نهایت با پذیرش این قرارداد بازخرید، بستر مناسبی را برای آزادی بردگان فراهم می‌نماید. قرآن کریم علاوه بر آزادی آن‌ها، به مالکانشان دستور می‌دهد که مقداری از مال خود را به بردگان بپردازند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۲۶۴)

۸.۲. حق ازدواج

دومین مقوله اصلی قواعد قرآنی درباره برده‌داری، روابط جنسی است. قرآن استفاده از زنان برده را به عنوان کنیز «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۶؛ معارج: ۳۰) و نیز ازدواج با بردگان مؤمن را مجاز می‌شمارد و

مومنان را به ازدواج با کنیزان با ایمان که مالکشان هستند، تشویق می‌کند؛ ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُسْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَامَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ...﴾ (بقره: ۲۲۱)

﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ﴾ (نساء: ۲۵)

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...﴾ (نور: ۳۲)

قرآن به صراحت روسپیگری برده‌ها را ممنوع اعلام می‌کند؛ ﴿وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا﴾؛ ... و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید، اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند!...» (نور: ۳۳)

۸. ۲. ۱. نهی از بهره‌کشی نامشروع جنسی از کنیزان

پیش‌تر، عرب‌ها کنیزان خود را به زنا و خود فروشی وادار می‌کردند، تا هم از اجاره آن‌ها سودی عایدشان شود و هم فرزندی را که از این کنیزان متولد می‌شوند، صاحب شوند و بر تعداد بردگان بیفزایند. اسلام زنا را حرام کرد و اربابان را از وادار کردن کنیزان به زنا نهی کرد. افرادی نظیر عبدالله بن ابی سلول، سرکرده منافقان اقدام به چنین کاری می‌کرد و کنیز خود را کتک می‌زد و او را به زنا مجبور می‌کرد. در این باره آیه ۲۳ سوره نور نازل شد که می‌فرمود: ﴿وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا﴾.

این مسئله یعنی واداشتن کنیزان به خودفروشی جهت کسب درآمد و رفاه بیشتر، در میان عرب جاهلی امری رایج بوده است. قرآن به هیچ کس حتی کنیزان اجازه خودفروشی را نمی‌دهد و برای آنان شخصیت و کرامت انسانی قائل است و کرامت و شخصیت آنان به منزله کرامت و شخصیت دختران آزاد است. به بیان دیگر، کنیزان پاکدامن و شخصیت انسانی آنان مورد احترام اسلام است. در واقع قرآن عفت و پاکدامنی را صفتی ارزشمند و پسندیده برای زنان برمی‌شمارد و توجه بسیاری به رواج اخلاق سالم جنسی و ایجاد روابط سالم زناشویی در جامعه دارد و خواهان برچیده شده زمینه فساد جنسی می‌باشد. (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۲۶۶-۲۶۵)

یکی دیگر از روش‌های سوددهی کنیزان، استفاده از آن‌ها برای آواز خوانی و غنا بود. این روش، زمینه فساد و گمراهی جوانان بسیاری را فراهم می‌کرد. اسلام غنا را حرام کرد و علاوه بر آن استفاده از کنیزان برای آوازخوانی را ممنوع کرد. درباره حرمت غنا و مخالفت اسلام با ترویج غنا و موسیقی و استفاده کنیزان در این جهت، روایات بسیاری در منابع حدیثی وجود دارد. به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام ﷺ در مورد حرمت غنا و خرید و فروش کنیزان آوازخوان و آموزش غنا به کنیزان چنین فرمود: «لَا تَبِيعُوا الْقَيْنَاتِ وَلَا تَشْتَرُوهُنَّ وَلَا تَعْلَمُوهُنَّ وَلَا خَيْرَ فِي تِجَارَةِ فِيهِنَّ وَ ثَمْنَهُنَّ حَرَامٌ. فِي مِثْلِ هَذَا أَنْزَلَتْ

هذه الآية: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنُ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (لقمان: ۳۱) (علامه حلی، ۱۹۸۲: ۱۴۹) «کنیزان آوازخوان را نخرید و نفروشید و آموزش ندهید، که هیچ خیری در تجارت آنها نیست و پولی که از این راه به دست می‌آید حرام است. و در باره چنین مواردی این آیه نازل شد: بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را استهزاء گیرند. برای آنان عذابی خوار کننده است».

در روایت دیگر رسول خدا ﷺ آموزش غنا به آوازخوانان را نیز حرام کرده است: «لا یحلّ تعلیم المغنیات و لا بیعهن و لا شراؤهن و لا التجارة فیهن، و ثمنهن حرام...؛ آموزش آوازخوانان و خرید و فروش آنها حرام است و کسب از این طریق حلال نیست» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۶۲)

از کثرت آیات و روایاتی که درباره حرمت غنا و حرمت خرید و فروش آوازخوانان در دست است، می‌توان به رواج این پدیده در جاهلیت پی برد، تا حدی که در اوایل ظهور اسلام و حتی پس از آن برخی از مسلمانان معاصر پیامبر ﷺ نیز به این مفسده مبتلا بودند. (عرب ابوزیدآبادی، ۱۳۸۸: ۱۸۷-۱۸۶)

۸.۳. حق داشتن آزادی و کرامت انسانی

همان گونه که گفته شد، کنیزان و بردگان قبل از اسلام در شرایط تربیتی نامطلوبی زندگی می‌کردند و طبعا دارای کمبودهایی از نظر اخلاقی، روانی و عاطفی بوده‌اند و مسلما فرزندان که ثمره ازدواج با آنها بود، رنگ اخلاقی مادر را کم و بیش داشت و به همین جهت اسلام طرح دقیقی برای آزادی تدریجی بردگان تنظیم کرده است تا به این سرنوشت گرفتار نشوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۵۱)

قرآن حق داشتن آزادی و کرامت انسانی بردگان را محترم شمرده است؛ نخست اینکه با شخصیت دادن به بردگان و پذیرش انعقاد قرارداد با خرید آنان، شخصیت حقیقی ایشان را به رسمیت شناخته است. دوم اینکه با صدور جواز ازدواج مسلمانان آزاد با بردگان و حق داشتن ازدواج سالم و مشروع و دوری از زنا و خودفروشی، شخصیت انسانی بردگان را همچون دیگر انسان‌های جامعه دانسته است. سوم اینکه با وضع احکام و قوانین شرعی مختلف که ثمره آنها، آزادی بردگان است، در حقیقت زمینه آزادی ایشان را در فرآیندی طبیعی فراهم ساخته است و برابری بین انسان‌ها را بیان نموده است.

۸.۴. حقوق جزا؛ نصف شدن مجازات

از جمله قواعد مربوط به ازدواج برده‌ها این است که مجازات کنیزان ازدواج کرده نصف مجازات زنان آزاد ازدواج کرده است؛ ﴿... فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى

الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ...» (نساء: ۲۵) قاعده‌ای که بعدها به همه جرم‌های ارتكابی برده تعمیم داده شد. (خندق آبادی، ۱۳۹۲، ۱: ۵۱۶)

۸.۶. آزادی بردگان

قصد اصلی قرآن از پذیرش ابتدایی قرآن، اگر خوب فهمیده شود آن است که برده‌داری به کلی برچیده شود. نهاد برده‌داری به طور چشمگیری در قرن‌های دوم و سوم تغییر کرد و اکنون هیچ خبری از برده‌داری در دنیای اسلام نیست؛ که این خود نشانگر قوانین شایسته قرآن کریم می‌باشد. با اینکه نهاد برده‌داری در قرآن در وجوه بسیاری با فرهنگ‌های مجاور مشترک است، اما به نظر می‌رسد استفاده از انفاق برای آزادی برده‌ها منحصر به قرآن باشد. (بقره: ۱۷۷؛ توبه: ۶۰) همان طور که تعیین کفاره آزادی برده برای ارتکاب برخی جرایم منحصر به قرآن است. فرهنگ‌های دیگر حق زدن برده را برای ارباب محدود می‌کنند، اما کمتر به خوش رفتاری با آنان توصیه می‌کنند و قرار دادن این جایگاه برای برده که در همان طبقه‌ای قرار گیرد که مثل طبقات ضعیف جامعه سزاوار حمایت باشد، بیرون از قرآن شناخته شده نیست. پس سهم منحصر به فرد قرآن را می‌توان در تأکید آن بر جایگاه برده‌ها در جامعه و مسئولیت جامعه نسبت به آنان دانست که شاید پیشرفته‌ترین نظام حقوقی برای برده‌ها در دوره خودش بود. (خندق آبادی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۵۱۷-۵۱۴)

۹. اقدامات پیامبر ﷺ برای مبارزه با برده‌داری

۹.۱. محدود کردن عوامل بردگی

در عصر جاهلیت، علل بردگی عبارت بود از اسارت در جنگ‌ها و غارت‌های قبیله‌ای، بدهکار شدن، فقر، تجارت، قاچاق، دزدیدن انسان و... اسلام، هیچ یک از این عوامل را روا ندانست و با آن مبارزه کرد؛ بنابراین هیچ انسانی در نظام اسلامی با توجه به این عوامل، برده کسی دیگر نمی‌شد. رسول خدا ﷺ بساط جنگ‌ها و غارت‌های قبیله‌ای را که با هدف منافع اقتصادی یا افتخارات و انتقام‌های قبیله‌ای انجام می‌شد، برچید و دیگر هیچ قبیله مسلمانی در مدینه، با قبیله دیگر نبرد نمی‌کرد. صرفاً جنگ‌ها به امر رسول خدا ﷺ و با اهداف شکست کفار و اعتلا و ترویج اسلام و انسانیت بود. رسول اکرم ﷺ با تجارت بردگان مخالف بود و از آن نهی می‌فرمود: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ؛ بدترین مردم کسی است که انسان می‌فروشد». (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۳۰) (عرب ابوزیدآبادی، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۶۸)

۲.۹. خوش رفتاری با بردگان

در اسلام دستورات زیادی درباره رفق و مدارا و خوش رفتاری با بردگان توصیه شده است و همچنین توصیه به رعایت حال آنان شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هُمْ إِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ تَحْتَ أَيْدِيكُمْ فَمَنْ كَانَ أَخُوهُ تَحْتَ يَدِهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا يَأْكُلُ وَ لِيَكْسُهُ مِمَّا يَلْبَسُ وَ لَا يُكَلِّفُهُ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيُعِينْهُ؛ کسی که برادرش زیر دست اوست باید از آنچه می خورد به او بخوراند و از آنچه می پوشد به او بپوشاند و زیادتیر از توانایی به او تکلیف نکند».(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۱۴۲)

امام صادق علیه السلام نیز چنین فرمودند: «فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا اسْتَعْمَلْتُمْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فِي شَيْءٍ يَشِقُّ عَلَيْهِمْ فَأَعْمَلُوا مَعَهُمْ فِيهِ قَالَ وَ إِنْ كَانَ أَبِي لِيَأْمُرُهُمْ فَيَقُولُ كَمَا أَنْتُمْ فَيَأْتِي فَيَنْظُرُ فَإِنْ كَانَ ثَقِيلًا قَالَ بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ عَمِلَ مَعَهُمْ وَ إِنْ كَانَ خَفِيفًا تَخَى عَنْهُمْ؛ در کتاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است که وقتی برده ای را به کاری وادار می کنید و کار سخت و دشوار بر آن ها است به آن ها کمک کنید، پدرم هنگامی که به غلامی دستور انجام کاری را می داد ملاحظه می کرد اگر کار سنگینی بود، بسم الله می گفت و خودش وارد عمل می شد و به آن ها کمک می کرد».(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۱۴۲)

۳.۹. تداوم نهضت آزادسازی بردگان

عتق و آزاد کردن بردگان، از مهم ترین برنامه های اجتماعی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این دوره بود؛ به ویژه اینکه با توجه به تشریح احکام خاص در مورد آزاد کردن بردگان، عتق از حالت توصیه ای اخلاقی به قانونی اسلامی ارتقا یافت. این نخستین بار در تاریخ بشر بود که آزاد کردن بردگان، اجباری و قانونی می شد. توجه و اهتمام رسول اکرم صلی الله علیه و آله به برنامه آزاد کردن بردگان بسیار زیاد بود. در دوره های بعد نیز عتق و آزادی بردگان، همواره مورد توجه و توصیه معصومان علیهم السلام بود و ایشان خود نیز پیشگامان نهضت آزادسازی بردگان بودند و دیگران را به آن تشویق می کردند. درباره امام علی علیه السلام روایت است که آن حضرت هزار بنده را آزاد نمود و هزینه آزادی آن ها را با کار در مزرعه پرداخت کرد؛ «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ مَالِهِ وَ كَذَّ يَدَهُ».(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۴) یا درباره امام سجاد علیه السلام روایات شده است که صد هزار برده را بی آنکه به آن ها نیازی داشته باشد، خرید و آزاد کرد. درباره باقی ائمه علیهم السلام نیز چنین رفتارهایی گزارش شده است.(عرب ابوزیدآبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۷۰)

۴.۹. تغییر در قوانین برده داری

بردگان در دوران جاهلیت در ردیف حیوانات و به مثابه ابزار و کالا در دست اربابان بودند؛ از این رو کارکردهای بسیار متنوع و بعضاً غیر انسانی داشتند. یکی از تحولاتی که

اسلام در مورد وضعیت بردگان ایجاد کرد، تغییر در قوانین برده‌داری بود که باعث آزادی آن‌ها می‌شد. به عنوان نمونه، یکی از موجبات آزادی برده، اسلام آوردن است. اگر ارباب کافر است و برده اسلام آورد به حکم آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱) آزاد می‌شود.

دیگر از وسایل آزادی خود به خود، اینکه اگر پدر یا فرزند و یا یکی از خویشاوندان نزدیک برده او را بخرد باعث آزادی وی می‌شود. مثلاً اگر پدر پسر خود را بخرد و بالعکس یا خواهر یا برادر یکدیگر را بخرند و یا سایر خویشاوندان نزدیک یکدیگر را بخرند، برده آزاد می‌شود.

یکی دیگر از برنامه‌های اسلام، آزادی ناشی از نایبایی یا زمین‌گیری بود. اگر ارباب به برده خود ظلم کرد و او را طوری کتک زد که صدمه‌ای به وی وارد آمد، آزاد می‌شود. اگر زن بود و برای ارباب خود فرزندی آورد آزاد می‌شود. آزادی مشروط و ارباب حق فروش او را ندارد. اگر او را آزاد نکرد، پس از مردن ارباب، خود به خود آزاد می‌شود.

نکاتی که باید توجه نمود این است که رفتار مسلمین با بردگان و طرز برده‌گیری اسلام با رفتار حکومت‌های دیگر متفاوت است. دوم اینکه در اسلام راهکارهای بسیاری برای آزادی بردگان وجود دارد و این گونه نیست که راه آزادی آن‌ها مسدود باشد. اسلام این امکان را ایجاد می‌کند که بردگی را از بین برده و آزادی را بجای آن به ارمغان آورد. (مطهری، ۱۳۹۳: ۲۳-۲۲)

۵.۹. جرمه یک جرم

یکی از منشأهای بردگی که در قدیم بوده است موضوع جرمه شدن است، اینکه فردی را به خاطر کاری که کرده است محکوم به بردگی می‌کنند. در اسلام چنین قانونی وجود ندارد. حتی در مواردی مانند محاربه که مجازات بسیار سخت و سنگینی را برای مجرم قرار داده‌اند (کشته شدن، به دار آویختن یا دست و پا را در جهت خلاف بریدن، تبعید)؛ ولی حتی برای محارب هم بنده شدن جزء جرمه قرار داده نشده است و علاوه بر آن مجازات هیچ جرمی در اسلام، بردگی نیست و بالعکس کفار برخی از گناهان، برده آزاد کردن است. تنها جایی که در اسلام برده‌داری وجود دارد، در مسئله جنگ و همان آزادسازی اسیران جنگ است. ولی امر مسلمین اختیار دارد در این هنگام، یکی از این راه‌ها را در برابر اسیران برگزینند:

بنا بر مصلحت کشتن اسراء، برده نگه داشتن آن‌ها، آزادی همراه منت، در مقابل آزادی او چیزی بگیرد که آن دو قسم است یا پولی بگیرد و آزادش کند یا مبادله اسیر کنند. تنها چیزی که در اسلام راجع به بردگی هست، همین است. (مطهری،

۱۳۹۳: ۶۰-۶۱؛ حیدری نراقی، ۱۳۸۵: ۲۳۴)

۹.۶. تعلیم و تربیت بردگان

مسیحیان حتی در عصر نهضت که تاحدی دوره بیداری و روشنفکری عالم مسیحی بود، مانع می‌شدند که بنده و کنیز سواد بیاموزند و مالکین مجاز نبودند که آن‌ها را تربیت کنند و سواد یاد دهند و هرگاه کسی بر خلاف این اصل عمل می‌کرد مجازات می‌شد، زیرا معتقد بودند که از جهل و نادانی بنده و کنیز بهتر می‌توان استفاده نمود، حتی مالکان اجازه مطلق داشتند که برده خود را بکشند یا زنده نگاه دارند. به خلاف مسیحیت، پیامبر اکرم ﷺ سفارش می‌نمود که هر کس کنیزش را تعلیم دهد و با او ازدواج نماید، دارای دو اجر خواهد بود؛ یک اجر برای ازدواج و دیگری برای آزاد نمودن کنیز. (فرامرزی، ۱۳۴۷: ۲۰۲)

۱۰. حقوق برده از منظر امام سجاد (ع)

وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ الْيَمِينِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ خَلَقَ رَبِّكَ وَ لَحْمُكَ وَ دَمُكَ وَ أَنْكَ تَمَلِكُهُ لَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ دُونَ اللَّهِ وَ لَا خَلَقْتَ لَهُ سَمْعًا وَ لَا بَصَرًا وَ لَا أُجْرِيَتْ لَهُ رِزْقًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ كَفَاكَ ذَلِكَ ثُمَّ سَخَّرَهُ لَكَ وَ اتَّصَمَكَ عَلَيْهِ وَ اسْتَوْعَكَ إِيَّاهُ لِتَحْفَظَهُ فِيهِ وَ تَسِيرَ فِيهِ بِسِيرَتِهِ فَتَطْعِمَهُ مِمَّا تَأْكُلُ وَ تَلْبَسُهُ مِمَّا تَلْبَسُ وَ لَا تُكَلِّفُهُ مَا لَا يُطِيقُ فَإِنَّ كَرِهْتَهُ خَرَجْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُ وَ اسْتَبَدَّلْتَ بِهِ وَ لَمْ تُعَذِّبْ خَلْقَ اللَّهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۶۲)

و اما حق مملوکت (برده) این است که بدانی او آفریده پروردگار تو است و هم‌گوش و هم‌خون توست. تو مالک او نیستی به خاطر آفرینش، بلکه خدا او را آفریده، تو آفریننده گوش و چشم او نیستی و روزی او در دست تو نیست. همه این‌ها را خداوند کفایت کرده و بر عهده گرفته است. سپس او را مسخر تو قرار داده و تو را بر او امین ساخته، او را به دست تو به ودیعت سپرده تا تو آن امانت را حفظ کنی و با روش او با وی رفتار کنی. پس باید از هر چه خود می‌خوری به او بخورانی و از هر چه خود می‌پوشی به او بپوشانی و بیش از توان به او تکلیف نکنی و اگر از او اکراه داری خود را از مسئولیت الهی نسبت به او بیرون ببری و با دیگری عوض کنی و خلق خدا را مورد شکنجه و آزار قرار ندهی و حول و قوه‌ای جز از طرف خدا نیست.

نتیجه‌گیری

یکی از مسائلی که در عصر ما نه از جنبه عمل، بلکه از جنبه نظر و تئوری مطرح است، مسئله برده‌داری است. از جنبه عملی «برده‌داری» ملغی شده است و در دنیا مطرح نیست؛ اما از جنبه نظر مطرح است، چون اسلام «برده‌داری» را تصویب نموده است. از

جمله اشکالاتی که از ناحیه مخالفان اسلام، ضد اسلام و مسلمین مطرح است این است که اسلام به قانون بردگی و استعمار انسان اعتراف کرده و بر آن مهر صحت گذاشته است و این امری است که با روح عدالت انسانی و آزادی او سازگاری ندارد.

دین مقدس اسلام تحول تاریخی شگرفی در موضوع «برده‌داری» به وجود آورد؛ اینکه اسباب و علل برده‌داری را بسیار محدود و منحصر به یک مورد نمود و آن اسیر جنگی است. علاوه بر آن، در برخورد با اسرای جنگی به ولی امر مسلمین اختیار تام داده است که آن‌ها را آزاد کند یا نکند. همچنین تغییر قوانین برده‌داری همانند حفظ کرامت و شخصیت بردگان، خوش رفتاری با آنان و وضع قوانین جدید، تحول جدیدی است که اسلام در عرب جاهلی ایجاد نمود و ثمره آن آزادی بردگان است. همانند کفاره برخی از گناهان مانند کفاره روز، کفاره قسم یا کفاره قتل خطایی.

منابع و مأخذ:

- ابراهیم نژاد، محمد رضا (۱۳۸۹)، *اعجاز تشریحی قرآن*، مجله آینه معرفت، ش ۲۴.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ / ۱۹۶۶ م)، *علل الشرائع*، ج ۱، قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، محقق / مصحح: جمال الدین میر دامادی، ج ۳، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- امانی، محمد علی (۱۳۹۲)، *سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، محقق/مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، ج ۱، قم: مؤسسه بعثه.
- بستانی، فؤاد افرام و رضا مهیار (۱۳۷۵)، *فرهنگ ابجدی*، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی.
- بلاغی نجفی، محمد جواد (۴۲۰ق)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، ج ۱، قم: بنیاد بعثت.
- بهجت پور، عبدالکریم و حامد معرفت (۱۳۸۹)، *اعجاز تشریحی قرآن*، مجله قرآن و علم، ش ۷.
- _____ (۱۳۹۰)، *اعجاز تشریحی قرآن*، مجله قرآن و علم، ش ۸.
- پویا، حسن (۱۳۷۴)، *مصاحبه با آیت الله محمدهادی معرفت*، مجله بینات، ش ۶.
- جزایری، حمید (۱۳۹۱)، *اعجاز حقوقی قرآن*، مجله قرآن و علم، ش ۱۰.
- جعفری، رضا (۱۳۸۸)، *نقد و بررسی آراء مستشرقین پیرامون اعجاز علمی و تشریحی قرآن (پایان نامه)*، دانشگاه علوم معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.
- حیدرزاد، فرومن و موسی عبداللهی نسب (۱۳۹۷)، *اعجاز تشریحی قرآن کریم از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام*، مجله مطالعات قرآنی، ش ۳۳.
- حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۵)، *رساله حقوق امام سجاد علیهم السلام*، ج ۲، قم: انتشارات مهدی نراقی.
- خندق آبادی، حسین (۱۳۹۲)، *دائرة المعارف قرآن کریم*، تهران: حکمت.
- دشتی، محمود (۱۳۸۲)، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم: بوستان کتاب.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۲)، *علوم قرآن*، ج ۲، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.

- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵)، پیامبر اعظم ﷺ و جهاد و برده‌داری، قم: مسجد مقدس جمکران.
- زلمی، مصطفی ابراهیم (۱۳۹۶)، خشکاندن باتلاق بردگان و کنیزان در قرآن کریم، تحقیق و ترجمه: عدنان فلاحی، تهران: نشر احسان.
- طاهری نژاد، محمد علی، حسینی، بی بی حکیمه و زهرا حیدری آبروان (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی اعجاز تشریحی قرآن در آیات تحریم ربا، ش ۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا (۱۳۸۸)، بررسی تاریخی اسلام و برده‌داری با تکیه بر سیره معصومان علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م)، نهج الحق و کشف الصدق، ج ۱، بیروت: دار الکتب اللبنائی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، ج ۲، قم: نشر هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامیه)، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، بردگی در اسلام، تهران: صدرا
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مودب، رضا (۱۳۸۶)، اعجاز قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۹)، تفسیر راهنما، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌های علمیه قم.